



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۲۰/۰۳/۲۳

دوکتور محمد اکبر یوسفی

حکومت همه شمول یعنی چه؟

قریب دو دهه است، که از کنفرانس "بن"، به اشتراک "چهار گروپ" دعوت شده که آنها را در بحران افغانستان دخیل تعریف نموده بودند، می گذرد. جناب "داکتر زلمی خلیلزاد" درین اواخر، یک حقیقت را چنین افاده نمودند، که گویا "امریکا" بنا بدعوت هیچ کسی، به افغانستان نیامده، هر وقتی هم که بخواهد، قوای خود را بیرون می کشد. این نویسندگان و میلیون ها انسان دیگر ازین وضعیت آگاه بوده اند، اطمینان داشته اند که این عمل مغایر اصول حقوق بین الدول صورت پذیرفته است. بخشی از افغانها بنابر انتظارات محافل بین المللی، که می گفته اند: چون افغانها، خود نمی توانند، مسائل عدیده را حل کنند، باید به افغانها کمک صورت گیرد و بخاطر آینده، این تخلف تحمل می شد. همه حکومت "تصنعی" ای که توسط مأموران حکومتی قدرت های بزرگ، چون "ویسرای" شناخته شده، داکتر "زلمی خلیلزاد"، سازمان داده می شوند، هیچگاه، عمر طولانی نداشته اند و فاقد هر نوع فعالیت های معمول و متمدن انسانی شناخته شده اند.

از تاریخ ۷ اکتوبر ۲۰۰۱م، تا ۲۷ نومبر ۲۰۰۱م درست ۵۱ روز از عملیات نظامی "سینتکوم" و متحدان آن قدرت بزرگ می گذشت، که کنفرانس "بن" افتتاح شد. چه کسی و برای چه منظور این کنفرانس را عاجل لازم دانست. قوای نظامی و امنیتی ایالات متحده، که پس از حوادث تروریستی ۱۱ سپتمبر از حمایت و همبستگی بین المللی در «جنگ علیه تروریسم» برخوردار گردیده بود، به یک «اداره ملکی» نیازمند بوده است.



بناء همان نماینده خاص سازمان ملل متحد، "الاحضر براهیمی" را که، چندی قبل خودش را در مأموریت "ناکام" اعلان نموده و از سمت اش، استعفاء داده بود، دوباره توظیف کردند.

انسان های ناکام و مشروط در امتحانات را پیش کشیدند. این حمله و اشغال افغانستان را بعضاً "انتقامگیرانه" تعریف کرده اند. حمله ایالات متحده و متحدان آنها، در تحت نام "جنگ علیه تروریسم" و مشخص علیه "القاعده" (همه می دانند که در زمان تأسیس "القاعده" به تاریخ ۸ اگست ۱۹۸۸م در شهر پیشاور پاکستان بنیاد یافته است، طوری که بقایای سازمان تروریستی "الجهاد مصری"، که "ایمان الظواهری" را رهبر آن، خوانده اند، نیز به این سازمان پیوست، که حال پس از "مرگ بن لادن" در مقام رهبری قرار دارد، همه رهبران تنظیمی "جهادی" که در

حال حاضر و هم از مدت ها بدینسو، آقای "داکتر زلمی خلیلزاد"، با آنها، در افغانستان جنگ زده، در فکر "تشکیل حکومت همه شمول" است و نیت تشکیل "اجماع ملی" را هم از جمع آنها، در سر می پروراند، همه و همه دوستان و "برادران دینی" و "آیدیالوژیک" آنها می باشند. سازمان همین "ایمان الطواهری"، بوده است که درست به تاریخ ۶ اکتوبر ۱۹۸۱م، "انور السادات"، رئیس جمهور مصر را به قتل رسانیدند، در حالی که او امر توزیع سلاح های "ساخت شوروی" را که از زمان جمال عبدالناصر، در دیپو های انگشور ذخیره داشته اند، به "مجاهدین"، داده است. ممکن، جناب داکتر زلمی خلیلزاد با چهره فوق، از دوسیه های کاری شان آشنا باشند، که رسماً با "سی آی ای" و "آی اس آی" همکار بوده و گاه گاه به مخالفت با ایشان نیز، پرداخته است. ممکن در روز های وظایف ایشان در مقام "ویسرا"، گاهی هم احتمالاً به این فکر غرق شده باشند، که همه سخاوت های ایشان، شاید بیهوده بوده باشد. نه خیر،



Mujahadeen soldiers celebrated victory in 1992

ایشان می دانند که سیاست مانند پیشگویی "آب و هوا" است. گاهی دوست دوست است و گاهی هم دوست دشمن می شود و هم ممکن دشمن دوست شود. وقتی کنفرانس بن تدویر یافت، چه در جریان تدویر این کنفرانس، و چه بعد از آن، دوست و همکار دیرینه "ارگان های" نظامی، امنیتی و سیاسی ایالات متحده امریکا، "آقای گلبدین حکمتیار"، هر آنچه در "بن" در تحت نام سازمان "ملل متحد" انجام می یافت، از جانب "امریکا" می دانست. قرار اطلاعات منتشر شده، افراد "جنگی" او بوده است، که شخص درجه یک "دشمن" امریکا ("اوساما بن لادن") را از صحنه جنگ نجات داده بود.

با این همه "مجاهدین ضد کمونیزم" قطع کرده («عساکر مجاهدین پیروزی را تجلیل می کنند ۱۹۹۲م») نمی تواند، پس از "طالبان افراطی"، پیروان مدرسه های "دیوبند" و "حقانی" چه انتظار داشته می تواند، که برداشت های عقیدوی آنها را کنار گذارند و مطابق به خواست او، از پیوند همیشگی بین المللی آنها، مبنی بر اشتراک در "جهاد مقدس" صرف نظر نمایند.

حال وقتی، داکتر زلمی خلیلزاد، روابط خود را،

با این همه "مجاهدین ضد کمونیزم" قطع کرده

با این همه "مجاهدین ضد کمونیزم" قطع کرده

اشغال افغانستان توسط نظامیان ایالات متحده در شرایطی آغاز یافت که جنگ در کشور، بیش از بیست سال عمر داشت و بر ده سال اخیر آن، مهر "جنگ داخلی" زده بودند. جناب داکتر زلمی خلیلزاد، شما خوب می دانید، که

Secretary of State Henry Kissinger and Special Envoy Mohammed Naim exchange visits.



a. Naim meets with the Secretary and President Gerald R. Ford (right) in the Oval Office. Samad Ghous, Deputy Foreign Minister (left).



b. Henry Kissinger in Afghanistan. L to R: Ghous; Wahid Abdullah, Acting Minister of Foreign Affairs; Kissinger; Ali Ahmed Khurram, Minister of Planning.

Washington, D.C., 1976

در قسمت های فوقانی این تصاویر می خوانیم: "سکرتر دولت" هینری کیسینجر و محمد نعیم، نماینده خاص، به تبادل دیدارها، پرداخته اند. نعیم بسکرتر و هم با رئیس جمهور "جیرالد فورد" و صمد غوث معاون وزیر خارجه. در سمت راست: "هینری کیسینجر" با "غوث"، "وحید عبدالله" سرپرست وزارت خارجه و علی احمد خرم وزیر پلان، در "واشنگتن دی سی" و کابل ۱۹۷۶م

"جنگ داخلی" توسط کی ها و چه وقت آغاز یافت. ظاهراً پس از توافق "امریکا" و "شوروی" در حال "فروپاشی"، بر "حل صفری"، این گروپ های مسلح به جان هم افتادند. همه جوانب سلاح های کافی از آن دو قدرت بزرگ رقیب و متحدان منطقوی آنها، در دیپوها، ذخیره داشته اند. در تمام ده سال "جنگ داخلی" شما باید شخصاً هم، با حلقات مختلف، آشنا بوده باشید. "القاعده" در افغانستان، و عمدتاً در پاکستان حضور داشت. شما می دانید که "رهبر القاعده" از "سودان" چه وقت، به "جلال آباد" آمد و مناسبات او با "برهان الدین ربانی" و سائر "جهادیون" در چه سطح بوده



(در تصویر سمت چپ شخص سوم، "ریچاردسن" نماینده خاص ایالات متحده در ملل متحد. این دیدار در اسلام آباد عکاسی شده است.)

است. "اعرابی" که در غرب کابل در صف جنگی های "عبدالرسول سیاف" می جنگیدند، کی ها بودند؟ علاوه از آن، همه دنیا می دانست که در جنب "جنگی های طالب"، افراد مسلح "القاعده" و "ملیسه های پاکستان" نیز می جنگیدند. فراموش نشود که "اوساما بن لادن" در سال ۱۹۹۶م از طریق هوا از سودان به جلال آباد مواصلت کرد و بعد از آن، اضافه از ۲۰۰ نفر از وابستگان و هواداران او، با فامیل های آنها، با او پیوسته اند. (تصویر «بل ریچاردسن»، با هیأت افغانی از ۲۷ اپریل ۱۹۹۸م است، که در جریان دیدار در اسلام آباد گرفته شده است، که خبر این دیدار پلان شده قبلاً، به تاریخ ۱۷ اپریل ۱۹۹۸م، نشر شده.)

آقای "ریچاردسن"، که به عنوان اولین مقام سیاسی، عالی مقام ایالات متحده، بعد از سفر داکتر هینری کیسینجر، پس



(«جنرال دوستم (در وسط): متخصص خیانت»)

«عطا محمد نور» و «محمد محقق» رهبران «اتحاد شمال»

از قریب ۲۰ سال به افغانستان سفر کرده است، حتماً گزارش کارش را در اداره واشنگتن ارائه داشته است. در باره سفر «بیل ریچاردسن»، مطبوعات به تاریخ ۱۷ اپریل ۱۹۹۸م، به تاریخ ۱۷ اپریل ۱۹۹۸م، از زبان او "پیشرفت غیر منتظره" را گزارش داده است. این پیشرفت "غیر منتظره" را چگونه ارزیابی می کنید؟ آخر شما با مناسبات «امریکا - افغانستان» چه می کنید؟ این نویسنده از آن نسلی است، که در زمان «سلطنت»، در عمارت مرکزی «پوهنتون کابل»، که به کمک ایالات متحده اعمار گردیده بود، درس خوانده است. درینجا از صمیم قلب از مردم امریکا سپاسگذاریم، که با کمک شان، به هزاران جوان



وطن ما، در آنزمان این فرصت مساعد گردید، تا آموزش لازم و عالی را فرا گیرند و مهمتر از همه این بوده است، که دختر و پسر یکجا درس می خوانده اند. جای نهایت خرسندی بوده است و ازین سبب هم خیلی ممنون بوده ایم، که این پوهنتون از «مُدُنترین» در آسیا تعریف می شد. شما حال در طی چهل سال اخیر، با کسانی یار و مددگار بوده اید، که اینک برای بار دوم فرزندان دختر و پسر ما را در رابطه با آینده آنها، با تهدید مواجه ساخته اند، که شاید نتوانند مانند، ۶۰ سال قبل، دختر و پسر یکجا بیاموزند و کار کنند. این چند تصویر، از زمان افتتاح عمارت مرکزی پوهنتون است. پادشاه افغانستان، با سفیر وقت ایالات متحده امریکا، و دیگر شخصیت های محترم وطن ما، چون مرحوم داکتر محمد عثمان انوری، تا آنزمان رئیس پوهنتون دیده می شوند. اگر شما لطف کنید و آدرس مقبره این سفیر محترم را برای ما، بفرستید، حتماً به عنوان ادای احترام، دسته گلی را بر قبرش خواهیم، فرستاد. حال به تصاویر نظر اندازید: درین تصویر دو شخصیت بزرگ علمی و سیاسی وطن ما دیده می شوند، که افتخار آشنائی

شخصی با ایشان داشته و تا آخرین رقم حیات، خاطراتی را که از ایشان دارم در حافظه حفظ خواهم نمود. در عقب میز "رئیس جدید پوهنتون کابل" (مرحوم داکتر صاحب عبد الصمد حامد) داکتر حقوق، زمانی معاون صدراعظم و



وزیر پلان کشور و در مقابل ایشان عالیقدر محترم داکتر صاحب عبدالواحد سرابی، داکتر اقتصاد و شخصیت علمی، سیاسی برجسته و شخصیت محبوب در کشور، هم چنان بچیث وزیر پلان و هم در سایر مقامات عالی دولتی به وطن خدمت کرده اند. هر دوی ایشان تحصیلات عالی ایشان را در زمان سلطنت تا درجه دوکتورا، به پایان رسانیده اند.

جناب داکتر زلمی خلیل زاد، خیلی متأسفم ازینکه چنین موضوعات درد آور را که در دوره کار شما، می بینیم، می نویسیم. شما می دانید که "سازمان القاعده" بنابر منابع نشراتی، درست به تاریخ ۸ اگست ۱۹۸۸م در پشاور، که از حمایت سازمان های افراطی (سنی) پاکستان، نیز برخوردار بوده است، تشکیل گردیده است. وقتی طالبان، طوری که در مقاله قبلی هم ذکر شده است، ۹۰ فیصد خاک را اشغال نموده اند هم سازمان «القاعده» و هم احزاب «بنیادگرای» افراطی اسلامی در پاکستان از آن استفاده نمودند. تاریخ این تصویر را ببینید. ۲۲ اگست ۱۹۹۸م این عکس العمل در کراچی پاکستان نشان داده شده است، زمانی که بر «کمپ» های «القاعده» راکت فیر شده است.

Saturday, 22 August, 1998, 16:58 GMT 17:58 UK
The Taliban - pariahs or heroes?



An effigy of Bill Clinton burns in Karachi.



پاکستان دوست امریکا است. از همه وقایع می گذریم. در آغاز عملیات به تاریخ ۷ اکتوبر، شما در جریان بوده اید. از یکطرف ازین «مهره های» "جهادی" نژادپرست و متعصب کار گرفته اید که در قطار این همه، بشمول شخص فوق و هواداران آنها، کسانی هم شامل اند که دوسیه های «جنایات» جنگی آنها و جرایم علیه بشریت اصلاً بررسی نشده است. با شما و دوستان پاکستانی تان، «بن لادن ها» و «الظواهری ها» دوستی داشته اند و دارند.

از کنفرانس «بن»، مجامع بین المللی انتظار ایجاد اداره سیاسی حقوقی و برقراری نظام قانونی را در افغانستان داشته اند، تا با اعمار مجدد، و استقرار سیستم "دیموکراسی" در افغانستان هم چنان، زور حق جای حق زور را بگیرد. اما در "بن" شما تقسیم قدرت را بر اساس شمار میله های "تفنگ" جنگی های هر تنظیم و بعد "وابستگی های نژادی" و "مذهبی" گروه ها، فیصله کردید، که حال از وضعیت شکایت می کنید، که گویا "وحدت سیاسی" وجود ندارد. حال خودتان با "مار زهردار

دو سره "روبرو هستید؟ هر بار فقط تکرار می کنید که برای امریکا، قابل قبول نیست. شما زیاد از "اجماع ملی" و "حکومت همه شمول" حرف می زنید. وقتی توضیح می دهید، هدف تان فقط همان "بنیادگرایان"، "جنگ سالاران" و "متنفذین محلی" اند، که در طی چهل سال با اینها، سروکار داشته اید. این "مهره" های، دوستان شما، شما را در شکست "کمونیسم" همکاری کردند، خوشا به حال شما. آخر این ها همه "دیموکراسی" را هم رد می کنند، "سیکولاریزم" را بی دین می خوانند. آیا شما متمایل هستید، که همان فساد گذشته تکرار شود؟ در خاتمه از شما می خواهم تا از جناب داکتر هینری کیسینجر، بپرسید (جناب داکتر کیسینجر در سال ۱۹۷۴م از



(سیاست "هم چس بازان"، دو سرکرد "حکومت وحدت ملی"، در حاکمیت "دو سره"، تا متحد "روید"، با نمایش "دو کشور" متفاوت. این است محصول سیاست "قدرت بزرگ"، در عقب "تر های بسته")

افغانستان دیدار کرده اند. در همان سال کودتای نا فرجام همین دوستان شما، رخ داده بود) که مرحوم هیلوت شمیدت صدر اعظم وقت آلمان، چه شخصیتی، بوده اند. او در سال ۲۰۰۹م در یک صحبت تلویزیونی گفته است، که "امریکا به افغانستان رفته است، تا القاعده را نابود کند. از دیر زمانی است که "القاعده" در پاکستان جا دارد. اما جنگ در افغانستان هنوز هم ادامه دارد." سؤال این نویسنده طرح می گردد که چرا؟

پایان



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "ارشیف" شان رهنمائی شوند!

حکومت همه شمول یعنی چه؟

Yusufi_akbar_۶۴_hukumat_hama_shumol.pdf